



۲۰۱۶/۰۹/۱۹



م نعیم بازز

## قابل توجه محترم آقای قاسم باز!

با وجود که من در برابر نوشته ای قبلی شما گفته بودم در همچو مسایل دیگر نخواهم پرداخت، اما این بار روش خوب تان مرا وا داشت تا نوشته شما را بی پاسخ نگذارم به خصوص که یک مقدار تفاوت در دیدگاه موجود باشد فرار از آن به هیچ وجه درست و مناسب نخواهد بود. بلی به چند نکته اشاره میکنم:

1- این سبک نوشته و سطح و سویه نوشته، با دیگر نوشته های که زیر اسم قاسم باز خوانده ام یک مقدار متفاوت به نظر می آید، که نه تنها من چنین فکر میکنم بلکه بعضی دوستان دیگر که بیشتر از من به خصوصیات کار نویسندگان محترم سایت «افغان جرمن» آشنا هستند، یگان نوشته محترم قاسم باز را به شخص دیگری نسبت می دهند. بهرحال مطالبی که بنام آقای قاسم باز به آدرس اینجانب رقم یافته به آن می پردازم.

2- در حال قبول میکنم که نوشته ای در بخش نظر خواهی و اکنون مقاله ای در بخش تحلیلات به آدرس اینجانب که بنام محترم قاسم باز نشر شده است. آقای قاسم باز اگر من در نوشته نخست شما شک و اشتباه کرده باشم که گوئی نوشته از شما نبوده و بنام شما کسی دیگری نوشته است، در همچو موارد شک و اشتباه کردن آن طوریکه خود در پراگراف اول و سطر آخر ذکر نموده اید. جا ندارد که بگوئید من نسبت به شما «مرتکب توهین و اشتباه بزرگ شده» باشم. شک من و دیگران از منطق به دور نیست، زیرا حتی در همین نوشته شما که در اینجا مورد بحث من هست، چند سطر را خوب با سویه می بینم ولی چند سطر دیگری را در بازی و استهزا به اصطلاحات پشتو «دغسی او پغسی و این چیزها که اصلاً چیزی بغیر از تمسخر و توهین مفهوم دیگر ندارد. . .» بنابر آن از این نوع طرز نوشته تان خود هم معترف هستید که گویا توبه کرده و قبلاً به قول خود تان به مدیریت «افغان جرمن» نیز تعهد سپرده اید که دیگر با این نوع نوشته ها سبب آزار و اذیت کسی نمیشوید. اما معلوم شد که باز هم قول و قرار تان را شکسته و بی مورد به انتقاد از نوشته من تحت عنوان (پرسیده اند جمهوریت، شاهی، یا حاکمیت های ایدئولوژیک، دینی - مذهبی) پرداخته اید. آخر من نمیدانم چرا خود را در انظار همه تا این حد در ضدیت و به اصطلاح خار چشم معرفی می کنید؟

3- در باره داوود خان و پیمان شکنی اخلاقی، سیاسی و دینی وی، باید بدانید که داود خان از وفا داری خود نسبت به رژیم شاه سوگند یاد کرده بود نه به مقام خود که تا در آن مقام باشد سوگند بر جا ست و هر گاه از قدرت بیفتد دیگر پای سوگند و حلف وفا داری در میان نباشد هرچه دل قدرت طلب وی خواست برای رسیدن مجدد به آن دروغ نه ورزد. بلی با این درک داوود خان کودتا کرد که در نتیجه کودتا گذشته از ویرانی و آوارگی میلیون ها افغان تا امروز از پیکر ملت خون جاری است.

4- نتیجه سوگند شکنی، توسل به عمل خشونت زا و کودتا چیزی جز قانون شکنی و برهم زدن صلح و امنیت نسبی مردم و بی اعتبار ساختن دولت نزد دول و مردم جهان مفهوم دیگری نداشته و ندارد. کشور عراق را در نظر بگیرید با کودتا های پیهم کار به جای رسید که امروز در حال تجزیه و انقراض قرار گرفته و همین طور کشور لیبی و همچنان بکار بردن خشونت بشار اسد علیه مردم و کشور سوریه که آن کشور به خاک و خون یکسان شده و مورد تسلط ایران و روسیه قرار گرفته و به میدان رقابت شرق و غرب مبدل گردیده است.

5- آقای قاسم باز شما تقریباً به این مفهوم از من پرسیده اید: وقتی داوود خان علیه رژیم شاه کودتا به راه انداخت آیا شما و مردم در برابر آن قرار گرفتید و کدام فیر تفنگ ساچمه ای و گولک . . . نمودید؟

جناب محترم به گفته شما من به غیر از کارد پیاز بری نه «تفنگ ساچمه ای و نه گولکی با خود داشتم و نه در آن وقت هیچ یک تشکل ملی و اتحایه و سندیکا وجود داشت که اقلاً مردم را در مخالفت با آن به اعتصاب و تظاهرات دعوت می کرد، لذا کدام منطق اجازه می دهد که انسان با دست خالی خود را در برابر توپ و تانک کودتا چی ها

قرار دهد، آیا اگر من و دیگران با دست خالی در برابر کودتا چیان مسلح ایستاد می شدیم غیر از عمل خود کشی چیزی دیگری نصیب ما می شد؟

6 – آقای قاسم باز شما به نقل از داوود خان نوشته اید « اگر برای آزادی افغانستان به جانم مالم و اولادم ضرورت بیفتد به یقین بدانید که حاضر هستم»

بلی او از عدم شناخت اوضاع عینی و ذهنی جامعه افغانستان و شرایط منطقه و جهان نه تنها جان خود و زن و فرزند خود و بسی مردم را به کشتن داد بلکه با آن آرزوی موهوم و خیال خام «آزادی»، پیامد آن کشور را تا امروز به مسلخ مبدل ساخته است.

7 – در قسمت دو سه پراگراف آخر نوشته تان که تکرار همان نوشته اول تان می باشد. شما باید اظهار نظر بین سیاست، عدالت، قضاوت و داوری را بدانید. من و هر فرد افغان راجع به موضع سیاسی داوود خان و هر رهبر سیاسی دیگر حق اظهار نظر را داریم ولی داوری و قضاوت در باره اعمال کودتا چی ها و افراد ملکی حق قضاوت و تعیین مجازات را نداریم، این از وظایف نهاد های عدلی و قضایی است که مطابق به اسناد و شواهد به اعمال هر یک متهمین پردازد.

در آخر از بکار بردن کلمات احترام آمیز شما نسبت به خود تشکر میکنم اما ناگفته نباید گذاشت که نوشته تان کمی آلوده به استهزا و توهین است، آرزومندم در آینده از سوی هر دو طرف همچو مسایل تکرار نشود. پایان

---

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ